###### 28

###### آزاد.jpeg

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**بررسي و مقايسه نگرش مردان و زنان مجرد معلول نسبت به ازدواج با افراد سالم**

**فصل اول**

**كليات پژوهش**

**چكيده**

از آنجائي كه ازدواج يك امر مسلم و حياتي براي انسانها مي باشد، بنابراين، بدون استثنا معلولين نيز حق ازدواج كردن را دارا مي باشند.بنابر ضرورت اين امر، پژوهشگر پژوهشي در زمينة بررسي نگرش افراد معلول در رابطه با ازدواج با افراد سالم را انجام مي دهد.جامعه آماري اين پژوهش شامل 40 نمونه مي باشد كه تشكيل مي شود از 20 مرد و 20 زن مجرد معلول، پژوهشگر براي بررسي پژوهش خود و فرضيه را ارائه مي نمايد.

1. بين نگرش زنان و مردان معلول در زمينه ايجاد ارتباط زناشوئي با افراد عادي تفاوت وجود دارد.
2. نوع معلوليت افراد معلول در تمايل آنان به ازدواج با افراد عادي تاثير دارد.

پس از تحقيق و بررسي در زمينه نگرش افراد معلول در رابطه با ازدواج با افراد سالم كه توسط پرسشنامه اي خود ساخته انجام شد، نتايج بدست آمده نشان مي دهد كه بين نگرش مردان و زنان معلول تفاوتي وجود ندارد زيرا با توجه به عدد بدست آمده از آزمون t غير همتا و مقايسة آن با t جدول در سطح %5 مشاهده مي شود كه t محاسبه كوچكتر از t جدول مي باشد و در نتيجه فرضيه تحقيق رد و فرض صفر تائيد مي شود و همچنين نوع معلوليت نيز در نگرش آنان براي ازدواج هيچ گونه تاثيري ندارد زيرا معلولين مهمترين مانع را در امر ازدواج احساس حقارت و سربار بودن براي فرد عادي مي دانند.

**1- مقدمه**

معلوليت از جمله عوامل و نقايص مختل كننده است كه مي تواند در تمامي ابعاد زندگي انسان اثر گذاشته و در صورت هدايت نشدن، انسان را به پائين ترين مراحل انساني اش نازل گرداند.

امروزه واژة معلول به افرادي تعلق پيدا مي كند كه توانائي پائين تري از حد طبيعي، كه ناشي از يك نارسائي كالبد شناختي مي باشد را دارا مي باشند و در نتيجه مشكلات زيادي در همسان سازي با افراد همسن و سال خود پيدا مي كنند.آنچه كه بايد در تعريف معلوليت در نظر گرفته شود تفاوتي است كه بين واژة Handi.capped و كلمة Disability وجود دارد كلمة Disability به معني نقص،و كلمة Handi.capped بعنوان بي فايدگي اجتماعي معلوليت بيان شده است.در اكثر پژوهشهاي مربوط به معلولين كلمة Disability را بيشتر به كار برده اند تا، بار ارزشي Handi.capped را دارا نباشد.

بنابر تعريف سازمان بهداشت جهاني، معلول فردي است كه در اثر ضايعات ارثي، بيماري و يا حوادث و يا كهولت قسمتي از امكانات بدني يا رواني خود را بطور دائم يا موقت از دست داده است و از استقلال فردي او در آموختن و يا كاركردن كاسته شده است.(اسلامي نسب، 1372).

معلولين با توجه به محدوديت هاي زندگي خصوصي، شخصي و خانوادگي از ويژگي هاي خاص برخوردار بوده و براي موارد مختلف زندگي اعم از آموزش، اشتغال، همسر گزيني به شيوه هاي خاص متوسل مي شوند به نظر مي رسد كه متغير سن و جنس در ازدواج معلول مؤثر مي باشد و ظاهراً ازدواج مرد معلول با زن معلول رايج تر مي باشد.زيرا بسياري از خانواده ها كمتر حاضرند كه فرد معمولي همسر فرزند سالم آنها باشد. مرد معلول از امكانات انتخاب بيشتري نسبت به زن معلول برخوردار بوده است و مي تواند از ميان افراد سالم يا معلول همسر خود را انتخاب نمايد.اما براي زن معلول محدوديت بيشتري وجود دارد، ضمناً ازدواج مرد معلول با زن سالم در صورتي ميسر مي شود كه او داراي ويژگي هايي از قبيل، سن بالا، خانواده با وضعيت اقتصادي پائين و نيز نازيبائي باشد.

بين معلول مادر زادي و معلول غير مادر زادي از لحاظ موفقيت در انتخاب همسر تفاوت ديده مي شود و به نظر مي رسد كه مشكل معلول مادر زادي در همسر گزيني و ازدواج به مراتب بيشتر از معلول غير مادر زادي باشد، زيرا احتمال ارثي بودن معلوليت در اثر گذاري آن بر روي فرزندان وجود دارد. در تحقيقات انجام شده در زمينه بررسي شيوه هاي همسر گزيني معلولين، نتايج بدست آمده بيانگر اين حقيقت است كه، متغيرهاي بسيار زيادي در امر ازدواج تاثير مي گذارند و گاه به عنوان عواملي بازدارنده ايفاي نقش مي كنند آمار نشان مي دهد كه حدود 45% از افراد جامعه بر اهميت تاثير گذاري معلوليت در امر ازدواج واقف هستند.بنظر مي رسد كه در ميان انواع معلوليت، ناشنوايان شانس بيشتري براي تشكيل خانواده را داشته باشند.

**2- بيان موضوع پژوهش و ضرورت اهميت آن**

معلوليت يكي از مسائل مهم و پيچيده است كه جوامع با آن مواجه هستند عوامل مختلفي كه موجب معلوليت ها هستند از گذشتة دور وجود داشته و هم اكنون نيز وجود دارد طبق برآورد سازمان بهداشت جهاني 10% جمعيت جهان را، معلولين جسمي، ذهني و اجتماعي تشكيل مي دهند كه اختلالات حركتي و نقص عضو3% و عقب ماندگي ذهني3% ، نابينايي 2% كري لالي2% مي باشندو يكي از مشكلات عمده افراد معلول در زمينه ازدواج و همسر گزيني مي باشد كه بنابر ضرورت اين موضوع، پژوهشگر در اين پژوهش بر آن است كه بداند آيا معلوليت به عنوان عامل بازدارنده مي تواند باعث عدم تمايل افراد معلول براي ازدواج با افراد عادي شود؟

**3- اهميت موضوع در پژوهش اين است كه:**

با نگرش عميق به پديدة معلوليت روشن مي گردد كه اين پديده موجب محروميت هاي گوناكوني مي گردد و فشارهاي مختلفي براي افراد معلول به وجود مي آورد و از آنجائيكه معلوليت به عنوان يك پديدة اجتماعي اجتناب ناپذير است مسئوليت هايي را براي عموم و بويژه مسئولين به همراه دارد.اين تحقيق مي تواند روشن كننده ديدگاههاي معلولين در زمينه ازدواج باشد و ميزان تمايلات و يا عدم تمايل و بي رغبتي در رابطه با ازدواج با افراد سالم را در ميان معلولين منعكس سازد و لذا اين پژوهش از آن جهت كه در شناسايي و فهرست بندي مسائل اساسي تشكيل دهنده، زير ساز فكر معلولين در مورد ازدواج و خواستگاه هاي فكري و عاطفي آنها تلاش مي كند، داراي اهميت ويژه است.

**4- هدف پژوهش:**

پژوهشگر در اين پژوهش سعي در بررسي معلوليت و تاثيرگذاري آن در شيوه نگرش و تمايلات معلولين در انتخاب افراد عادي براي ازدواج دارد.

**5- سئوال هاي پژوهش:**

1- آيا افراد معلول تمايلي نسبت به ازدواج با افراد عادي دارند؟

2 – چه عواملي موجب عدم تمابل در زمينه ازدواج معلولين با افراد عادي مي باشد؟

3 – آيا بين نگرش زنان و مردان معلول در رابطه با ازدواج با افراد عادي تفاوتي وجود دارد؟

**6- فرضيه پژوهش:**

1 – بين نگرش زنان و مردان معلول در زمينه ايجاد ارتباط زناشويي با افراد عادي تفاوت وجود دارد.

2 – نوع معلوليت افراد معلول در تمايل آنان با ازدواج با افراد عادي تاثير دارد.

7- **متغيرهاي پژوهش:**

متغير مستقل: معلوليت

متغير وابسته: نگرش نسبت به ازدواج با افراد سالم

متغير كنترل كننده: جنسيت

8- **تعاريف عملياتي متغيرها:**

افراد معلول: افرادي كه مجموعه اي از نواقص جسمي و ذهني در زندگي آنها اثر سوءِ برجاي گذاشته و مانع از ادامه زندگي شخص بصورت طبيعي مي گردد و اين افراد به دليل عدم امكان زندگي مستقل از نظر شخصي و اجتماعي، نيازمند توانبخشي و كمك ديگران مي باشند.افرادي از قبيل نابينايان، ناشنوايان و معلولان جسمي – حركتي.

افراد سالم: كساني هستند كه هيچ گونه عارضه و نقص مختل كننده در بدن آنها وجود ندارد و بدون كمك ديگران فعاليتهاي شخصي و اجتماعي خود را به راحتي انجام مي دهند.(اسلامي نسب، 1372).

جنسيت: در اين پژوهش زن و مرد بودن افراد، از لحاظ دارا بودن ويژگي هاي جسماني زنانه و مردانه مي باشد.

نگرش: نگرش يك حالت آمادگي ذهني و عصبي است، كه از طريق تجربه سازمان مي يابد، و بر واكنش فرد نسبت به تمامي موضوعها و موقعيتهاي وابسته به نگرش تاثير مستقيم و پويا بر جاي مي گذارد.(گوردون آلپورت،1935).